

۶

نتایج یک بررسی: بهره‌گیری اعضای هیأت علمی مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی از منابع اطلاعات علمی: شیوه‌ها و مسائل

نوشته: ابراهیم افشار زنجانی

دسترسی به اطلاعات مورد نیاز از پیش شرط‌های اساسی اجرای طرح‌های پژوهشی است. تأمین این نیاز در یک سازمان پژوهشی وظیفه کتابخانه یا ارگان اطلاع‌رسان علمی است که ممکن است در یک سازمان به نام‌های دیگری مانند مرکز اطلاع‌رسانی یا مرکز اسناد و مدارک و غیر آن نیز خوانده شود.

در راستای انجام همین وظیفه، کسب مستمر شناخت عینی و روشمندانه از نیازها و شیوه‌های بهره‌گیری از منابع اطلاعاتی، یا به عبارت دقیق‌تر، رفتار اطلاعاتی جامعه پژوهشی و مسائل و مشکلات آن در راه دستیابی به اطلاعات مورد نیاز، از وظایف شناخته‌شده هر کتابخانه یا ارگان اطلاع‌رسان در یک سازمان پژوهشی است.

یافته‌هایی که در این نوشته عرضه می‌گردد، حاصل یکی از همین پژوهش‌ها است که نگارنده آن را در سال ۱۳۶۶ به منظور تدوین پایان‌نامه تحصیلی خود، به انجام رسانده^۱ است.

یافته‌های این بررسی از دو منبع تأمین شده است نخست از طریق اطلاعاتی اعضای محترم هیأت علمی مؤسسه از راه لطف با تکمیل پرسشنامه^۲ در اختیار

نگارنده قرار دادند. دوم از راه بررسی منابع مورد استناد در آثار منتشر شده اعضای هیأت علمی در فاصله سالهای ۱۳۶۰ تا پایان ۱۳۶۵. اطلاعات مربوط به تعداد اعضای هیأت علمی مدرسه و توزیع تخصص‌ها و زمینه‌های پژوهشی از مدارک موجود در مؤسسه استخراج شده است.

مشخصات کلی جامعه مورد بررسی

بر اساس یافته‌های تحقیق، در زمان بررسی (۱۳۶۵) مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی دارای ۷۵ نفر عضو هیأت علمی تمام وقت، با متوسط سن ۳۰ تا ۴۰ سال، بوده است. دو رشته زبان‌شناسی و زبان‌ها و فرهنگ باستانی ایران با اختصاص ۴۵٪ کل، بیشترین تعداد را به خود تعلق داده بودند و فارغ التحصیلان رشته زبان و ادبیات فارسی با ۳۲٪ پس از این دو قرار داشتند. ۳۳٪ بقیه اعضای هیأت علمی را دانش‌آموختگان سایر رشته‌ها تشکیل می‌دادند. (جدول ۳)*

بر اساس یافته‌های حاصل از پژوهش ۴۹٪ از اعضای هیأت علمی مؤسسه در رتبه پژوهشیاری، ۴۶٪ در رتبه پژوهشگری و ۵٪ در رتبه رهبری پژوهش قرار داشته‌اند. اکثر ایشان (۸۷٫۵٪) آخرین مدرک تحصیلی خود را از دانشگاه‌های داخل کشور و بقیه آن را از خارج از کشور اخذ کرده‌اند. در میان کشورهای خارجی، فرانسه و ایالات متحده آمریکا هر یک با ۶٪ (۴ نفر) بیشترین سهم را به خود اختصاص داده بودند. اشتغال به تدریس در نزد ۲۳٫۵٪ از اعضا اظهار شده است و اشتغال به فراهم آوردن مواد تدریس و مشاوره از مشغله‌های فرعی ۳۱٫۵٪ از ایشان بوده است. درجه انطباق رشته تحصیلی با زمینه پژوهشی ۹۰٪ (در نزد فارغ التحصیلان رشته زبان‌شناسی با ۷۹٪ کمتر از همه)، و عضویت در مجامع علمی داخلی و خارجی ۴٫۵٪ اظهار شده است. وضع اخیر،

* منظور جدولهای موجود در متن پایان نامه است.

درخواست جامعه علمی موسسه را از کتابخانه برای ارتباط با مجامع علمی و دریافت انتشارات آنها را ایجاب نموده است. (جدول ۱۸)

کتابخانه‌های که به آنها مراجعه می‌شود

پس از کتابخانه مرکزی موسسه، که مورد استفاده اکثریت قریب به اتفاق (۹۸٫۵٪) پاسخگویان قرار داشته است، کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، با اعلام استفاده از آن توسط ۵۲٪ افراد، پر مراجعه‌ترین کتابخانه در نزد اعضای هیأت علمی موسسه بوده است. پس از آن، کتابخانه دانشکده ادبیات همین دانشگاه با اعلام ۱۹٪ از پاسخگویان در مرتبه سوم قرار دارد. در این میان استفاده از کتابخانه اهدائی استاد مجتبی مینویی، همتراز میزان استفاده از کتابخانه‌های دیگر شهرهای کشور، با اعلام مراجعه تنها ۳٪ از پاسخگویان، به کمترین حد مورد توجه بوده است. ظاهراً مشکلات دستیابی به این کتابخانه، که از واحدهای تابعه موسسه به شمار می‌آید، به اندازه دسترسی به کتابخانه‌های واقع در شهرستانها دشوار است، و هر دو کمتر از کتابخانه‌های خارج از کشور (۷٪) مورد استفاده قرار می‌گیرند (جدول ۱۲). این امر با توجه به غنای فوق‌العاده این مجموعه در عرصه مطالعات ایرانی و اسلامی^۳، که با حوزه‌های تخصصی اکثر اعضای هیأت علمی موسسه تناسب دارد، سؤال برانگیز است. از عوامل موثر در عدم استفاده از این مجموعه می‌توان به (۱) مشکل برقراری ارتباط با این کتابخانه (۲) امانت ندادن منابع کتابخانه به تصمیم هیأت‌امنا (۳) تکمیل نشدن امر فهرستنویسی کتب و منابع موجود در آن (۴) و احتمالاً عدم اطلاع جامعه پژوهشی موسسه از قابلیت‌های مجموعه فوق، اشاره کرد. در صورت وجود ارتباط مستقیم تلفنی میان بخش خدمات مرجع کتابخانه مرکزی موسسه با این کتابخانه و بهره‌گیری از امکانات نسخه‌برداری، ضمن معرفی مجموعه به پژوهشگران و تلاش جدی در راه تکمیل و فهرستنویسی منابع آن، می‌توان امیدوار بود که بهره‌گیری از این مجموعه توسط اعضای هیأت علمی موسسه افزایش یابد.

بدون احتساب کتابخانه‌های موسسه، اعضای هیأت علمی موسسه به طور متوسط به ۲ کتابخانه دیگر مراجعه می‌کنند. مراجعه به ۴ و بیش از ۴ کتابخانه تنها توسط ۹٪ از پاسخگویان اعلام شده است و ۳۴٪ اعلام داشته‌اند هیچ کتابخانه دیگری را مورد استفاده قرار نمی‌دهند. مراجعه به کتابخانه‌های دانشگاهی، همچنانکه پیش از این اشاره شد، در این میان از همه انواع دیگر کتابخانه‌ها بیشتر است و به ۶۰٪ می‌رسد. (جدول ۱۲،۲)

مجموعه‌های شخصی پاسخگویان دست کم برای ۲۲٪ از آنها منبع اصلی رفع نیازهای اطلاعاتی است که کم و بیش از راه خرید فراهم می‌شود (جدول ۱۶). این امر اتکای روز افزون جامعه پژوهشی موسسه را به سیستم کتابخانه‌ای و لزوم توجه به بهبود و توسعه خدمات آن را می‌رساند.

در میان منابع غیر کتابخانه‌ای، مجموعه‌های گروه‌های پژوهشی، پس از مجموعه‌های شخصی قرار دارد و بیشتر در دسترس رده‌های بالاتر تحصیلی است. کسب اطلاعات علمی از طریق شرکت در مجامع علمی در این تاریخ (۱۳۶۵) از سوی ۲۰٪ از پاسخگویان اعلام شده است، و تماس‌های شخصی برای ۳۵٪ از آنان به عنوان منبع کسب اطلاعات علمی اهمیت دارد و میزان آن در نزد رده‌های پائینتر تحصیلی و پژوهشی و سنی نسبت به رده‌های بالاتر، به نحو محسوسی افزایش دارد. (جدول ۱۲،۳)

میزان استفاده از منابع اطلاعات مکتوب بر حسب فرم آنها کتاب از سوی ۹۶٪ از پاسخگویان به عنوان رسانه پرمراجعه معرفی شده است، حال آنکه نشریات ادواری تنها در نزد ۳۱٪ از آنان واجد چنین ارزشی است. برای ۳۷٫۵٪ افراد نشریات ادواری رسانه‌ای با ارزش اطلاعاتی متوسط است و ۱۸٪ نیز عدم استفاده خود را از آن اعلام داشته‌اند (جدول ۱۳). این در حالی است که طبق یک بررسی مشابه که در سال ۱۳۵۴ در میان اعضای هیأت علمی دانشکده علوم دانشگاه تهران صورت گرفته است، ۶۰٪ از پاسخگویان نشریات ادواری را رسانه

پرمراجعه خود اعلام کرده‌اند.

پدیده کاستی بهره‌گیری از نشریات ادواری، در مرحله رسیدگی به منابع و مآخذ مورد استناد در تألیفات اعضای هیأت علمی موسسه با شدت بیشتری به چشم می‌خورد که بعداً به آن اشاره خواهد شد.

استفاده از منابع کتابشناسی

از میان منابع کتابشناختی، کتابشناسی‌ها فهرست‌های مقالات بیشتر مورد استفاده قرار می‌گیرند. با وجود این، بیش از ۴۰٪ از پاسخگویان به استفاده از منابع کتابشناختی اشاره نکرده‌اند. با توجه به اینکه منابع کتابشناختی ابزار عمده پژوهش به شمار می‌روند، این وضع را شاید بتوان به ضعف جریان پژوهش در نزد این بخش از پاسخگویان تعبیر کرد. (جدول ۱۴)

چکیده‌نامه‌ها، که از منابع کتابشناختی مهم پژوهش به شمار می‌روند، از انواع پیشین نیز کمتر مورد استفاده قرار می‌گیرند.

صرف نظر از احتمال وجود مشکل زبان خارجی، به نظر می‌رسد آشنایی مطلوب با منابع کتابشناختی در نزد بخشی از پاسخگویان ضعیف باشد. این امر، سوای لزوم تقویت فرایند پژوهش، معرفی و آموزش بهره‌گیری از منابع کتابشناختی را هم به ایشان ایجاب می‌کند.

جستجوی اطلاعات در کتابخانه؛ شیوه‌ها و مسائل

مراجعه به کتابدار شیوه غالب، جستجو در کتابخانه عنوان شده است (۴۹٪)؛ استفاده از برگه‌دان کتابخانه در میان ۲۱٪ از پاسخگویان شیوه غالب در جستجو است. (جدول ۱۴) مراجعه به برگه‌دان ذیل نام کتاب بیش از سایر معرفها رواج دارد (۷۳٪) و جستجوی موضوعی در برگه‌دان تنها به میزان ۲۲٪ «زیاد» اعلام شده است. عدم اطمینان به معرفهای موضوعی علت عمده (۴۸٪ موارد) عدم استفاده موضوعی از برگه‌دان به شمار می‌رود که می‌توان آن را بر ناآشنایی

مراجعه کنندگان با زبان سر عنوانها موضوعی حمل کرد. ۱۷٪ پاسخگویان نیز علت را بی اطلاعی از وجود معرف‌های موضوعی در برگه‌دان کتابخانه اعلام داشته‌اند (جدولهای ۱۵ و ۱۵/۱). به نظر می‌رسد آموزش شیوه بهره‌گیری از کتابخانه موضوعی است که هنوز می‌تواند مورد توجه قرار گیرد.

میزان وقتی که پاسخگویان برای دستیابی به منابع مورد نظر خود صرف می‌کنند به طور متوسط بین ۱۰٪ تا ۱۵٪ از وقت هفتگی ایشان اعلام شده است. دارندگان مدرک تحصیلی دکتری با قرار گرفتن ۵۸٪ ایشان در این میانگین، مشکل بیشتری در راه دستیابی به منابع مورد نیاز خود دارند. سن پاسخگویان تأثیری در این مقوله ندارد، حال آنکه پاسخگویان متعلق به گروه علوم اجتماعی و گروه‌های پژوهش زبان‌شناسی و زبانهای باستانی و تاریخ، به ترتیب با قرار گرفتن ۶۲٫۵٪ و ۵۰٪ در این میانگین، بیش از گروه پژوهشی ادبیات فارسی (با ۳۴٪) با مشکل روبرو هستند (جدول ۱۷)

عدم ارتباط کتابخانه با مراکز علمی بین‌المللی مانع موثری در راه دستیابی به اطلاعات تخصصی عنوان شده است. میزان اعلام نیاز به این ارتباط به تناسب بالا رفتن مدرک تحصیلی و رتبه پژوهشی به شدت فزونی می‌گیرد: رقم ۲۶٪ برای دارندگان مدرک تحصیلی فوق لیسانس و رتبه پژوهشیاری در مقابل ۶۱٪ و ۵۳٪ به ترتیب برای دارندگان مدرک دکتری و رتبه پژوهشگری به خوبی نشان دهنده این واقعیت است. گروه‌های پژوهشی زبان‌شناسی و زبانهای باستانی، علوم اجتماعی، فلسفه و تاریخ با رقم ۵۰٪ بیشترین تأکید را در این مورد داشته‌اند. حال آنکه گروه پژوهش ادبیات فارسی با رقم ۲۶٪ کمترین نیاز را از این لحاظ اعلام داشته‌است. این امر با یافته‌های پیشین (جدول ۱۷) خوانائی دارد و حاکی از اتکای بیشتر این گروه به انتشارات داخلی در امر تحقیق است (جدول ۱۸/۱). لکن با توجه به توسعه مطالعات ایران‌شناسی، از جمله ادبیات و زبان فارسی در کشورهای خارجی، لزوم توسعه آشنایی این قشر از پژوهشگران با نتایج تحقیقات خارجی ضروری به نظر می‌رسد. به هر حال این وظیفه بخش

مجموعه سازی کتابخانه و روابط عمومی موسسه است که با برقراری و توسعه رابطه با مجامع بین‌المللی و مبادله انتشارات در رفع نیاز فوق بکوشند.

نقص فعالیت کتابخانه در امر اشاعه اطلاعات مانع دیگر دستیابی اعلام شده است. پاسخگویان از گروه زبان و ادبیات فارسی با تأکید ۴۵٪ از ایشان به این امر بیشترین تقاضا را در این خصوص اعلام داشته‌اند (جدول ۱۸،۲).

نقص مجموعه کتابخانه نیز از سوی ۲۴٪ از پاسخگویان مانع عمده دستیابی به اطلاعات عنوان شده است که میزان آن همچنان در نزد سطوح بالاتر تحصیلی و پژوهشی فزونی دارد (جدول ۱۸،۳)؛ ۱۹٪ پاسخگویان سازمان نیافته بودن مجموعه را هم مورد تأکید قرار داده‌اند.

دو انتقاد به شیوه طرح سوالهای مربوط به دو جدول فوق شایان ذکر است. نخست آنکه ضرورت داشت پرسش در خصوص نقص مجموعه به اصطلاح باز می‌شد و ضعف آن به تفکیک، مثلاً از لحاظ انتشارات داخلی و خارجی و فرم آنها (کتاب نشریات ادواری...) و ساختار آنها (منابع مرجع و غیر مرجع) مورد سؤال قرار می‌گرفت. در این صورت، پاسخ جامعه مورد بررسی به سؤال موضوع جدول ۱۸،۱ نیز مبنای روشنتری می‌یافت.

دوم آنکه سؤال مربوط به سازمان نیافته بودن در قالب جمله مبهم «مجموعه کتابخانه فاقد نظم منطقی است» مطرح شده است. این اشتباه در شیوه طرح مطلب موجب شده است که ۴۲٪ از پاسخگویان آن را بی‌جواب بگذارند. با توجه به آنکه در زمان تکمیل پرسشنامه بسیار بیش از ۲۵٪ کل مجموعه را (که میزان فعلی است) کتابهایی فهرست نشده تشکیل می‌داد، مشکل دستیابی به دلیل سازمان نیافته بودن مجموعه احتمالاً میتوانست بیش از این جلب توجه کند. چنانکه در هنگام ارائه پیشنهادها، اصلاحی توسط پاسخگویان، این مورد از همه موارد بیشتر مورد تأکید قرار گرفته است.

بررسی گزینه‌های پاسخگویان به جدول ۲۰ (ص ۳۹ در متن پایان‌نامه) نشان می‌دهد مراجعه به کتابخانه برای درخواست یک یا چند عنوان مشخص کتاب یا

سایر منابع در نزد ۷۰٪ از ایشان قوت دارد و کتابداران تنها از سوی ۹٪ از پاسخگویان به طور جدی برای یافتن اطلاعات (صرف نظر از منبع آن) مورد مراجعه قرار می‌گیرند و ۵۵٪ آنها مطلقاً چنین مراجعه‌ای به کتابخانه ندارند. درخواست صورت منابع مورد نیاز در نزد هیچیک قوت ندارد و ۷۶٪ آنان اصلاً اینگونه درخواستهای را با کتابداران مطرح نمی‌کنند.

این امر یکسو می‌تواند بیانگر ناتوانی سیستم کتابخانه در ارائه خدمات مرجع باشد و از سوی دیگر ناشی از عدم اطلاع جامعه مورد نظر از وظیفه کتابخانه در یک سازمان پژوهشی در ارائه اینگونه خدمات ناشی شود. در هر حال باز این وظیفه کتابخانه است که بخش خدمات اطلاع‌رسانی خود را تقویت کند جامعه‌ای را که در خدمت آن است، از وجود این قبیل خدمات که یک رکن بالنده از ارکان سه گانه وظایف کتابخانه را تشکیل می‌دهد، آگاه سازد.

پیشنهاد‌های پاسخگویان

پیشنهاد‌های پاسخگویان کم و بیش شامل تمام عرصه‌های فعالیت کتابخانه می‌شود. در اینجا به مواردی اشاره خواهد شد که بیشتر مورد تأکید بوده‌است. همانطور که بیشتر نیز اشاره شد، لزوم فهرستنویسی و رده‌بندی شدن مجموعه کتابهای فهرست نشده، بیش از همه مورد تأکید قرار گرفته‌است. مجموعه فهرست نشده کتابخانه که نتیجه ادغام یکباره چندین مجموعه در یکدیگر بوده‌است که یا اصلاً سازمان دهی نشده بوده‌اند و یا شیوه‌ها و نظام سازماندهی آنها با یکدیگر ناسازگار بوده‌است، یکی از گرفتاریهای جدی کتابخانه از زمان ایجاد موسسه تا زمان حاضر بوده‌است. با وجود آنکه در نتیجه مساعی کتابداران رقم مجموعه فهرست نشده از ۷۰٪ کل مجموعه در زمان ادغام (۱۳۶۰) به حدود ۳۰٪ رسیده‌است (این جدا از فهرستنویسی و رده‌بندی خریدهای تازه‌است) با وجود این تا به صفر رسیدن این قسمت از موجودی کتابخانه مشکل فوق مبتلا به استفاده کنندگان و کتابداران، هر دو، خواهد بود.

پیشنهاد مهم دیگر برقرار کردن رابطه امانت بین کتابخانه‌ای با کتابخانه‌های مهم دانشگاهی بوده است (کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران مورد تأکید خاص بوده است) این پیشنهاد، علاوه بر اعلام نیاز به برقراری ارتباط با مجامع علمی بین‌المللی، نشان دهنده این واقعیت است که تامین موثر نیازهای اطلاعاتی جامعه پژوهشگر را نمی‌توان محدود به امکانات داخلی کتابخانه کرد. این دورنمایی است که در برابر فعالیت نظام کتابخانه‌های موسسه، مثل هر کتابخانه دیگری، گسترده است و ایجاب می‌کند که سیاست و توسعه نظام اطلاع‌رسانی ما با توجه به این واقعیت تدوین شود.

تحلیل استنادی

تحلیل استنادی Citation analysis یک شیوه غیر واکنشی بررسی رفتار اطلاعاتی Informational behavior است که می‌کوشد از طریق بررسی منابع و مآخذ مورد استناد در آثار منتشر شده، به نتیجه‌گیری بپردازد.

در این بخش از بررسی حاضر آن دسته از تالیفات اعضای هیأت علمی موسسه که در فاصله سالهای ۱۳۶۵-۱۳۶۰ انتشار یافته‌اند، بدین شیوه مورد بررسی قرار گرفته است. ضمناً از آنجا که تا پایان دوره فوق از پژوهشگران گروه‌های علوم اجتماعی و تاریخ اثری که در دوره فوق انتشار یافته باشد، یافت نشد، این بررسی محدود به تالیفات گروه‌های زبان‌شناسی و فرهنگ و زبانهای باستانی، زبان و ادبیات فارسی و گروه فلسفه است.

در بررسی منابع مورد استناد در نگارش مقالات، ۸۰ مقاله‌شناسایی شد که ۳۶ مورد آنها در زمینه زبان‌شناسی و فرهنگ و زبانهای باستانی، ۲۸ مورد در زمینه فلسفه و علوم وابسته و ۱۸ مورد در زمینه ادبیات بود.

در نگارش این مقالات جمعاً به ۴۶۷ منبع استناد شده است که حدود ۹۱٫۹٪ آن به کتابها و ۸٫۱٪ به مقالات مندرج در نشریات ادواری است. از این میان ۵۵٫۹٪ استنادها به کتابهای فارسی و ۲۶٪ به کتابهای لاتین؛ ۶٫۸٪ به

مقالات فارسی و تنها ۱,۳٪ به مقالات نشریات ادواری خارجی مربوط می‌شود. (جدول ۲۲) بررسی سن انتشار کتابهای مورد استفاده در تألیف مقالات نشان می‌دهد که نزدیک به ۵۰٪ آنها پیش از ۱۳۵۰ انتشار یافته‌اند (جدول ۲۷ و ۲۹). این امر در مورد مقالات به کمتر از ۳۸٪ کاهش می‌یابد (جدولهای ۲۴ و ۲۶). بررسی ده کتاب تألیف شده توسط اعضای هیئت علمی موسسه در دوره مورد نظر (۶۵-۱۳۶۰) حاکی از ۷۰۰ مورد استناد شامل ۶۵۳ مورد (۹۳,۳٪) به کتابها و ۴۷ مورد (۶,۷٪) به مقالات مندرج در نشریات ادواری بوده است. در این میان مقالات مندرج در نشریات ادواری با سهم ۰,۵٪ کمترین توجه را به خود جلب کرده‌اند.

هر چند شمار اندک تألیفات مورد بررسی در بند فوق ممکن است ارزش یافته‌های آن را مورد تردید قرار دهد، اما یافته‌های بخشهای پیشین (نظرخواهی و بررسی مآخذ مقالات تالیفی) مؤید درستی نسبی آنها است.

بررسی سن انتشاراتی کتابهای مورد استناد در این بخش نیز نشان‌دهنده محفوظ بودن اهمیت آثار قدیمتر است: زیرا بررسی نشان می‌دهد که دست کم ۷۰٪ از کتابهای مورد استناد پیش از ۱۳۵۰ منتشر شده‌اند (جدول ۳۴) اما تاریخ نشر کتابهای اروپایی مورد استناد در این بخش از جوانی نسبی آنها حکایت می‌کند (نزدیک به ۵۰٪ از آنها بعد از ۱۹۷۰ منتشر شده‌اند. جدول ۳۶) الگوی بهره‌گیری از مقالات در تألیف کتابها با الگوی بهره‌گیری از آنها در تألیف مقالات تفاوت محسوس دارد. در اینجا ۶۶٪ از مقالات فارسی پیش از ۱۳۵۰ منتشر شده‌اند که با رقم مشابه در مورد تألیف مقالات ۱۶٪ تفاوت دارد. کاهش بهره‌گیری از مقالات منتشر شده بعد از ۱۳۶۰ در تألیف کتابها به میزان نزدیک به ۲,۳٪ نیز نشان‌دهنده کندتر بودن جریان بهره‌گیری است (جدول ۳۱)

مقایسه استنادهای تألیفات اعضای هیأت علمی موسسه به عنوان نمونه‌ای از پژوهشگران حوزه علوم انسانی با همتای آنها در حوزه علوم تجربی دست کم دو ویژگی را بارز می‌کند (۱) اهمیت کمتر نشریات ادواری در مقابل نقش قاطع

کتاب (چنانکه پیش از این به آن اشاره شد) (۲) بالاتر بودن سن انتشاراتی منابع مورد استناد.^۵

مقایسه آثار مورد استناد با موجودی کتابخانه مرکزی موسسه نشان می‌دهد که به طور متوسط ۹۰٪ از کتابها و ۱۰۰٪ نشریات ادواری در کتابخانه وجود دارد. این رقم در مورد کتابهای به زبان‌های اروپایی ۶۰٪ است. (ص ۵۱ و ۵۶). به این اعتبار، تأمین و تهیه منابع تا سال ۱۳۶۰، دست کم در مورد و گروههای پژوهشی که آثارشان مورد بررسی قرار گرفته است، به نحو مطلوبی صورت گرفته است. طبعاً بررسی دوام این وضع در سالهای بعد از جنگ ۱۳۶۰ محتاج رسیدگی جداگانه است.

نتیجه‌گیری

از یافته‌های حاصل از این تحقیق می‌توان چنین استنباط کرد که عرضه خدمات کتابخانه‌ای در موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی در سطوح ساده و ابتدایی آن جریان دارد. این در حالی است که نشانه‌های نیاز به خدمات پیچیده‌تر نظیر نیاز دستیابی به منابع سایر کتابخانه‌ها و تولیدات مراکز تخصصی برون مرزی و نیاز به اشاعه اطلاعات بخوبی مشاهده می‌شود. برآوردن چنین نیازی مستلزم توسعه دامنه فعالیت‌هایی کتابخانه به ویژه در عرضه خدمات است. هر چند باید اعتراف کرد که تحقق آرزویی مانند آگاهی سهل و سریع از منابع موجود در سایر کتابخانه‌های کشور و دستیابی به آنها تنها در چارچوب اجرای یک برنامه ملی و بهره‌گیری از تکنولوژی جدید (کامپیوتر و ارتباطات) میسر است، اما وظیفه هر کتابخانه، از جمله کتابخانه موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی برای آماده شدن به منظور تطبیق خود برای آنچه که در راه است، قابل صرف‌نظر کردن نیست. سازماندهی مناسب و روش‌گذاریهای خوب، آموزش کارکنان و مجهز کردن آنها با مهارتهای جدید، تجهیز کتابخانه با تکنولوژی جدید، نظیر خود کارکردن سنجیده سیستم ذخیره و بازیابی اطلاعات با در نظر گرفتن دورنمای پیوستن به

یک شبکه ملی، در اختیار گذاردن امکانات نظیر تلفن و فاکس و... از وجوه برجسته این وظیفه به شمار می‌رود.

ارتقای سطح انتظار جامعه استفاده کننده از کتابخانه ارتباط مستقیم و نزدیکی به توانایی کتابخانه‌ها در عرضه خدماتشان دارد. اما میزان بهره‌گیری از کتابخانه تنها تابعی از متغیر فوق نیست. قوت و شدت فرایند پژوهش نیز عامل تعیین کننده‌ای است. در واقع این دو عامل یعنی توانایی کتابخانه و قوت فرایند پژوهش، بر یکدیگر تأثیر متقابل دارند و به تقویت یکدیگر منجر می‌شوند.

* پی‌نوشتها و مأخذ:

۱- ابراهیم افشار زنجانی «روشهای کسب اطلاعات تخصصی توسط اعضای هیأت علمی موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی» پایان نامه فوق لیسانس کتابداری. تهران، دانشگاه تهران، دانشکده علوم تربیتی، ۱۳۶۶، ۹۵ ص.

در نوشته‌ای که اکنون می‌خوانید، ارقام عمده آماری و مهمترین نتایج این بررسی - اگر اهمیتی داشته باشند - عرضه می‌گردد. امیدوارم با وجود تأخیر در ارائه نتایج این بررسی گزارش حاضر هنوز حاوی نکات قابل تأمل و قابل استفاده‌ای باشد. برای آگاهی از ارقام و اطلاعات جزئی تر (از جمله مروری اجمالی بر پیشینه، کارنامه و اطلاعاتی در خصوص کتابخانه‌های موسسه تا سال ۱۳۶۶، به متن اصلی پایان نامه، موجود در کتابخانه مرکزی موسسه مراجعه نمایید).

۲- پرسشنامه فوق حاوی ۲۳ سؤال بود. سئوالهای ۱ تا ۸ برای شناسایی مشخصات جامعه مورد بررسی و سئوالهای ۹ تا ۲۳ مربوط به شیوه‌ها و مسائل مربوط به بهره‌گیری از منابع اطلاعاتی و آخرین سؤال به نظرات پاسخگویان اختصاص داشت. برای آگاهی از اشکالات احتمالی پرسشنامه، صورت‌مقدماتی آن بین ۷ تن از اعضای محترم هیأت علمی موسسه (۱۰٪) توزیع شد و پرسشنامه نهایی پس از بررسی آنها و اعمال چند تغییر جزئی تنظیم گردید. از ۷۵ نفر از اعضای هیأت علمی وقت موسسه که پرسشنامه را دریافت کردند، ۶۷ تن (۸۹٪) به آن پاسخ دادند و نتیجه‌گیری‌ها بر اساس همین تعداد صورت گرفته است.

۳- نگاه کنید به: ایرج افشار. «مجتبی مینوی، استادی از قلمرو نمی‌دانم» راهنمای کتاب، سال ۲۰،

ش ۱-۲ (۱۳۵۶)، ص ۲۵-۳۰.

۴- دانشگاه تهران، دانشکده علوم تربیتی، گروه آموزشی کتابداری، تحقیق درباره روشهایی که اعضای هیأت علمی دانشکده علوم دانشگاه تهران برای دستیابی به منابع و مداراک علمی به کار می‌برند، تهران، ۱۳۵۴.

۵- یک تحقیق مشابه درباره مقاله‌های پزشکی فارسی نشان می‌دهد که متوسط فاصله بین انتشار یک مقاله و منابع مورد استناد آن چهار سال است. نگاه کنید به: فریده عصاره. بررسی وضع استناد در مجلات پزشکی فارسی... پایان‌نامه کارشناسی ارشد گروه کتابداری دانشگاه تهران، ۱۳۶۵ ص ۵۲-۵۴.



